

بررسی علل طلاق در استان خراسان

دکتر حسین رحیمی*

مقدمه

هیچ عصری مثل عصر ما خطر انحلال کانون خانوادگی و عوارض سوء ناشی از آن را مورد توجه قرار نداده است و در هیچ دوره‌ای مانند این زمان، بشر دچار این خطر و آثار سوء ناشی از آن نبوده است. طلاق یکی از مهمترین پدیده‌های حیات انسانی است. این پدیده دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی، روانی و... است. این پدیده که در عصر ما و متأسفانه در کشور ما نیز در حال افزایش می‌باشد، دلایل بسیار زیادی دارد. هرگز یک عامل به تنهایی نمی‌تواند موجبات پیدائی آن را فراهم نماید. در این تحقیق هدف، بررسی علل طلاق در چندین شهرستان استان خراسان می‌باشد.

محدوده مورد مطالعه شامل شهرستانهای نیشابور، سبزوار، تربت حیدریه، کاشمر، گناباد و بردسکن است. «این محدوده جمعیتی در حدود یک میلیون و هفتصد هزار نفر را در خود جای داده است.»*

نتیجه تحقیق حاکی از آن است که عوامل متعددی از جمله عدم توافق اخلاقی بین زن و شوهر، اختلاف سن، سوء اخلاق و رفتار زوجین، اعتیاد، بیکاری و... در امر طلاق در این محدوده دخالت دارند. اما مشکلات اقتصادی به صور گوناگون از جمله مهمترین دلایل طلاق می‌باشد.

اهمیت مسأله

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: خداوند هیچ چیز را حلال نکرده که نزد او زشت‌تر از طلاق باشد. روایات و احادیث فراوان برجای مانده از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) همگی دلالت بر این دارد که طلاق امری زشت و مبعوض است. کشورهای مختلف بسته به ایدئولوژی نظام حاکم، هرکدام نگرشی خاص به این پدیده دارند. اسلام به عنوان یک دین جهانی، طلاق را امری حلال اما زشت می‌شمارد و در کشور ایران که دین رسمی مردم اسلام است و با توجه به اینکه چشم تمامی کشورها و ملت‌های مسلمان به این کشور دوخته شده است، نبایستی این پدیده اجتماعی چشمگیر باشد. اما متأسفانه آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد که این واقعه هر روزه شدت می‌یابد! بنابراین لازم است ریشه‌ها و دلایل این معضل بطور جامع تحلیل و راه‌حلهائی جهت کاهش آن ارائه گردد.

محدوده مورد مطالعه

در این پژوهش، جامعه مورد مطالعه شامل: شهرستانهای نیشابور، سبزوار، تربت حیدریه، کاشمر، گناباد و بردسکن از استان پهناور خراسان می‌باشد. در این محدوده

جغرافیایی، جمعیتی در حدود یک میلیون هفتصد هزار نفر در واحدهای شهری و روستائی سکونت دارند. از نظر ساختار جمعیتی و قومی تقریباً منطقه‌ای همگن است. نقشه شماره (۱) موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه را در نقشه استان خراسان به تصویر می‌کشد. آمارها نشان می‌دهد که واقعه طلاق در این محدوده هرساله در حال افزایش است. این در حالی است که در گذشته (پیش از انقلاب) آمار طلاق در این شهرستانها بسیار پائین و از میانگین کشوری کمتر بوده است. طلاق در این محدوده جغرافیایی، انگیزه‌ها و دلایل متعددی دارد که به بررسی مهمترین دلایل آن می‌پردازیم.

روش تحقیق و شیوه جمع‌آوری اطلاعات

در امر طلاق که در اصل عدم توافق دو طرف مطرح است، سؤال این است که این عدم توافق بر سر چیست؟ و ریشه‌های آن کدام است؟ بنابراین در این تحقیق به دنبال انگیزه‌ها و دلایل طلاق می‌باشیم. بر این مبنا تحقیق از نوع علی بوده و بایستی شبکه‌ای از علتها شکافته و تحلیل شود. برای روشن شدن راه سخت، دشوار و اکثراً تاریک ورود به حریم علی، کوشیده‌ایم تا از تحلیل غیرمستقیم استفاده کنیم، یعنی بررسی کرده‌ایم تا روشن شود کدام پارامترها بر کار طلاق مؤثر بوده و چگونه؟ از اینرو، پارامترهایی را که به نظر ما بر امر طلاق مؤثر بوده‌اند، نظیر بیکاری، عدم تفاهم زوجین، اعتیاد، اختلاف سن، عدم تمکین و... را مطرح کرده، میزان تأثیر و نوع یا شیوه اثرگذاری آن را مورد مطالعه قرار داده‌ایم. بدین منظور ۲۰۵ پرسشنامه تکمیل و نتایج استخراج گردیده است. در بعضی از موازد مصاحبه‌هایی با زنان و مردان جدا شده از هم صورت گرفته است.

بررسی دلایل و انگیزه‌های طلاق

علل و انگیزه‌های طلاق بسته به کشورها و نواحی جغرافیایی با هم فرق دارد، به

گونه‌ای که بین جوامع شهری و روستائی متفاوت است. اوضاع و شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی هر جامعه نیز در تعداد و درصد طلاق مؤثر است. مثلاً نرخ طلاق در دهه ۵۰ از نرخ متوسط ۹٪ در سطح کشور پیش از انقلاب به نرخ متوسط ۶٪ پس از انقلاب (۱۳۵۸) می‌رسد و در سال ۱۳۶۳ به میانگین ۹٪ افزایش می‌یابد که این میانگین در شهرها سه برابر روستاهاست. بطوریکه از هر ۱۰۰ ازدواج شهری، ۱۲ مورد آن منجر به طلاق شده است. اما در جوامع روستائی رقم ۴ مورد از ۱۰۰ مورد است.

«طلاق در سالهای ۵۷ تا ۱۳۶۰ با کاهش بین ۱ تا ۳ درصد به خصوص در شهرها روبرو بوده است که نشان می‌دهد شرایط اجتماعی و روند تحولات تا چه اندازه در کاهش طلاق مؤثر است.^(۱)» طبق اظهارنظر «ایوت و الجاک» و «شیلا برنز» در کتاب «جامعه از دید فرزند»، در جوامع کنونی طلاق در اقشار میانی بیش از طبقات بالا و پائین جامعه به وقوع می‌پیوندد و نیز طلاق در میان اقشار میانی جدید بیشتر از اقشار سنتی است. در طبقات اجتماعی با امکانات مالی و موقعیت اجتماعی، امکان نگهداری کانون خانواده به پشتوانه این موقعیت بسیار وسیعتر است. ممکن است در این خانواده‌ها، عشق، محبت، همکاری و احترام، پایه و اساس بقاء زندگی خانوادگی نباشد، اما رفاه مالی بر این کمبودها سرپوش گذاشته و مانع می‌شود تا کار به جدائی بکشد.^(۲)

بنابراین، عوامل طلاق عمدتاً به فرهنگ و شرایط اجتماعی، وضعیت اقتصادی، شیوه زندگی، شرایط جغرافیایی، شیوه معیشت، میزان تحصیلات و عوامل دیگری از این قبیل بستگی دارد. در مجموع، حفظ خانواده مستلزم آگاهی و درایت است. جهل آفت زندگی و آگاهی و دانش، چراغ سعادت است. با این مقدمات به بررسی علل طلاق در محدوده مورد مطالعه می‌پردازیم.

۱- گراهی، زهرا، بررسی حقوق زنان در مسأله طلاق، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۳۷.

۲- ایوت و الجاک و شیلا برنز، طلاق از دید فرزند، ترجمه فرزانه طاهری، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۱۸.

نداشتن تفاهم اخلاقی

یکی از عوامل مهم در مسأله ازدواج، سطحی‌نگری و سهل‌انگاری در امر ازدواج بدون احساس مسئولیت و توجه نکردن به عواقب سوء آن است. ازدواج‌هایی که بر مبنای احساسات شکل می‌گیرند، ناکزیر به جدائی منجر خواهد شد. اینگونه ازدواج‌ها که بر پایه عشق‌های دروغین و ظاهری یا فریبکاری و وعده‌های فریبنده شکل گرفته است، ناپایدار و متزلزل است. در جامعه سنتی و احساسی که منطق را بر نمی‌تابد و شعار جای شعور را گرفته و احساس برجای منطق نشسته، بر والدین و مربیان دلسوز جامعه است که با درایت، پند و اندرزهای لازم را به جوانان داده و آنها را با برنامه‌های خاص به سوی زندگی مطلوب و منطقی هدایت نمایند. تفاهم اخلاقی، پیش‌شرطی لازم و ضروری برای هرگونه ازدواج است. در جوامع عقب‌مانده از جمله ایران، آنجا که بین زن و مرد حصارى بلند ایجاد می‌کنند و تا هنگام ازدواج، دختر و پسر را دو جنس متضاد و خطرناک و به تعبیری «آتش و پنبه» قلمداد می‌نمایند، به گونه‌ای که بعضاً صحبت کردن آنها را قبل از ازدواج کاری خلاف شرع قلمداد کرده و به منزله آبروریزی و لطمه به آبرو و حیثیت زن به حساب می‌آورند؛ نمی‌توان انتظار دوام خانواده را داشت. مشاهده می‌شود که در میان دلایل و انگیزه‌های طلاق، نداشتن تفاهم اخلاقی یکی از مهمترین عوامل است. در محدوده مورد مطالعه ۲۳/۷۶ درصد از طلاقها به دلیل عدم تفاهم اخلاقی صورت گرفته است. در مصاحبه‌هایی که با زن و شوهرهای جدا شده صورت گرفته، نکات بسیار ظریف و حساسی بیان شده است. برای مثال، پاسخ‌دهنده‌ای (مصاحبه شونده‌ای) از شهر... با مدرک لیسانس! که در زندگی مشترک به طلاق تن در داده، بیان می‌دارد: پیش از ازدواج، هرگز دختر و پسر همدیگر را ندیده و حتی روز خواستگاری، خانواده دختر به او گفته‌اند پشت پنجره‌ای بنشیند تا دخترشان از مقابل پنجره رد شود و او (پسر) دختر را ببیند و انتخاب کند! وقتی از او سؤال شد مدرک تحصیلی خانم چقدر است؟ ایشان پاسخ داده‌اند که تا کلاس پنجم ابتدائی خوانده است! ایشان مدعی بوده‌اند که این ازدواج با اصرار پدر و مادرشان صورت گرفته است. از

ایشان راجع به دوره نامزدی سؤال شده که پاسخ داده‌اند: ۵ ماه به طول انجامید و در آن مدت جرأت نداشتن با خانمش در تماس باشد!

در موردی دیگر در شهر... خانمی که از همسرش جدا شده، بیان کرده که شوهرش هیچ او را درک نکرده و فقط برای ارضاء خواسته‌هایش با او ازدواج کرده است! در مصاحبه‌ای دیگر آقائی که از خانمش جدا شده، در جواب این سؤال که چرا طلاق؟ پاسخ می‌دهد فقط این‌طور بگویم که برادران خانم، حتی شب عروسی خواهرشان در مراسم حاضر نشده و از اینکه خواهرشان را در لباس عروسی ببینند عار داشته و بیان کرده‌اند که آن شب زیر.....

براین اساس شکی نخواهد بود ازدواج‌هایی که از روی شناخت و آگاهی نباشد و دختر و پسر قبل از ازدواج نتوانند همدیگر را بفهمند و درک متقابلی از هم داشته باشند، تا زمانی که خانواده حصارى بلند بین دو جنس دختر و پسر ایجاد کند، اکثر اینگونه ازدواجها به شکست منجر خواهد شد. این در حالی است که با القای فرهنگ ازدواج و بیان اهداف عالی آن و درک متقابل زن و شوهر از همدیگر، می‌توان به نتایج مطلوب و دلپذیری دست یافت.

بیکاری

بیکاری معضلی است که امروزه دامنگیر جامعه ایران شده و اگر خیلی سریع چاره‌ای اندیشیده نشود در آینده‌ای نه چندان دور (در دهه ۸۰) به صورت فاجعه‌ای اسفناک امنیت ملی را مورد تهدید قرار خواهد داد. فرد بیکار هرچند که تشکیل خانواده هم داده باشد و مسئولیت زن و فرزند بر دوشش باشد، استحاله شده و هیچ ارزشی را نخواهد شناخت و تهدید ارزشهای یک جامعه یعنی به خطر افتادن امنیت ملی.* امروزه بیکاری یکی از مهمترین دلایل طلاق در کشور است و هرساله بر تعداد افراد جدا شده به

* - برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: رحیمی، حسین، بحران بیکاری و امنیت ملی در دهه ۸۰ ماهنامه اطلاعات سیاسی -

این دلیل (بیکاری) افزوده می‌شود. در شهرستانهای مورد پژوهش، بیکاری ۱۷/۴۶ درصد علت طلاق‌ها را تشکیل می‌دهد. در میان پاسخ‌دهندگان، روستائیان بیش از شهرنشینان از بیکاری به عنوان عامل مهمی در طلاق نام برده‌اند.

مشکلات مالی و اقتصادی

یکی از عوامل اختلاف برانگیز در خانواده‌ها، مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد است. تورم روزافزون، بالا رفتن سطح توقعات عمومی، افزایش تجملات و مسایل غیرضروری، گسترش نوع نیازمندیها خصوصاً افزایش نیازهای کودکان و جوانان، همه از جمله عواملی است که خانواده را نیازمند درآمد زیاد می‌کند. متأسفانه به دلیل فرهنگ خاص حاکم بر کشور ما، افراد ضعیف و فقیر از اینکه فقرشان را آشکار کنند، خجالت می‌کشند و به همین دلیل است که می‌گویند صورتشان را با سیلی سرخ نگه می‌دارند! امروزه وضعیت اقتصادی و درآمد خانواده‌ها خصوصاً طبقات ضعیف شهری و روستائی بسیار نگران‌کننده است. طی تحقیقی در روستاهای کوهپایه شهرستانهای کاشمر و بردسکن به این نتیجه رسیده‌ایم که در مدت یکماه بیش از ۵۰ نفر در سنین ۲۵ تا ۶۰ سالگی بر اثر فشارهای روحی - روانی سگته کرده‌اند! آنان اکثراً فقیرانی بوده‌اند که جوان فوت کرده‌اند. گرچه مرگ در غربت دردناک است، امروزه فقیران جوان در غربت تاریخ می‌میرند و مرگشان مرگ در سکوت است!!*

نتایج استخراج شده از پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که در خانواده‌های کم‌درآمد، میزان طلاق به دلیل مشکلات اقتصادی بیشتر از خانواده‌های دیگر است و ناسازگاری زوجین نیز در شرایط نامساعد اقتصادی جامعه و خانواده، در دورانه‌های مختلف اجتماعی و شرایط بحرانی بیشتر می‌شود. در واقع، آسیب‌پذیری خانواده‌های فقیر به مراتب بیش از خانواده‌های ثروتمند است. در محدوده تحقیق، مشکلات مالی و اقتصادی

* - برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: رحیمی، حسین، تراژدی فقر و مرگ در سکوت در کوهپایه‌های کاشمر و بردسکن،

۱۶/۱۲ درصد از عوامل طلاق را شکل می‌دهد که این نسبت در روستاها بیش از شهرهاست.

اختلاف سن و سطح تحصیلات

همانگونه که سن و زمان بلوغ جنس در دختر و پسر با هم متفاوت است، به همسان بلوغ عقلی هم فرق می‌کند. از اینرو دختران زودتر از پسرها از نظر جسم و روح بالغ می‌شوند. همانگونه که زمان و سن بلوغ جنسی دختر و پسر باهم متفاوت است، زمان و سن بلوغ عقلی هم فرق می‌کند. از اینرو دخترها زودتر از پسرها از نظر جسم و روح بالغ می‌شوند، به‌گونه‌ای که طبق دستورات اسلام یک دختر ۹ ساله بایستی تکلیف شرعی خود را انجام دهد. زندگی مادی عصر حاضر سن بلوغ را پایین آورده است. هرچه سن ازدواج کمتر و تحصیلات پایین‌تر باشد اختلافات و کج‌اندیشی‌ها نیز بیشتر می‌شود، زیرا ممکن است زن به رشد عقلی رسیده باشد ولیکن مرد هنوز در دوران تجربه‌اندوزی و دستیابی به بلوغ عقلی بسر برد و گاه نقش زن به نقش مادری مبدل شده روابط زناشویی میان آنها دچار دگرگونی گردد. اختلاف سنی و سطح تحصیلات در مجموع ۶/۲۶ درصد از عوامل طلاق را در شهرستانهای نیشابور، سبزوار، تربت حیدریه، کاشمر، بردسکن و گناباد تشکیل می‌دهد. اختلاف سنی بیشتر مربوط به مردان مسنی است که با دختران جوان ازدواج کرده‌اند. همچنین فرهنگ خاص حاکم بر منطقه باعث شده که پسرها سعی کنند با دخترهائی ازدواج کنند که چیزی در حدود ۱۰ سال از آنها کم سن‌وسال‌تر باشند. تحصیلات کم و تفاوت در سطح تحصیلات زوجین نیز از دیگر عوامل طلاق است که حدود ۳/۱۱ درصد از عوامل طلاق این محدوده را تشکیل می‌دهد.

اعتیاد

یکی از عوامل جدائی زن و شوهر، اعتیاد یکی از زوجین شناخته شده است. این

عامل مهم، اغلب موجب توسل به طلاق بخصوص از طرف خانمها می‌شود. اعتیاد شوهر به مواد مخدر، الکل و... باعث می‌شود که او در اثر اعتیاد، علاوه بر سلامت جسمی، سلامت روحی و اخلاقی خود را از دست داده و به فردی لاقیدوبند و بی‌مسئولیت بدل شود که هیچ اعتبار و آبرویی برای خانواده خود قائل نبوده و زندگی را برای زن و فرزندان غیرقابل تحمل سازد. متأسفانه به دلایل خاص اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و خصوصاً فقر شدید حاکم بر منطقه (محدوده مورد مطالعه) بسیاری از خانواده‌ها و جوانان در دام مواد مخدر و اعتیاد افتاده‌اند.

نتایج بررسی‌ها حاکی از آنست که اکثر زندانیان شهرستانهای سبزوار، گناباد و کاشمر را قاچاقچیان و استعمال‌کنندگان مواد مخدر تشکیل می‌دهد. در میان عواملی که منجر به طلاق شده ۸/۴۲ درصد سهم اعتیاد و قاچاق مواد مخدر شناخته شده که در این میان سهم مردان به مراتب بیشتر از زنان است. این نسبت در شهرستانهای این محدوده متفاوت است به گونه‌ای که بیشترین میزان مربوط به شهرستانهای سبزوار و کاشمر می‌باشد.

عدم تمکین

عدم تمکین زن و شوهر و خصوصاً زن از شوهر از دیگر عوامل اصلی طلاق است. این عامل خود ریشه در مسائل زیادی از جمله نداشتن تفاهم اخلاقی، اختلاف سنی زیاد، اعتیاد، مشکلات مالی، تفاوت در سطح سواد و پایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دو طرف و عوامل دیگری مربوط می‌شود. بسیاری از مردان جدا شده اظهار داشته‌اند که همسرانشان تمکین نداشته‌اند و از آنها حرف شنوی ندارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۱۰/۷۹ درصد از طلاقهای این محدوده به دلیل عدم تمکین زن از شوهر بوده و بعضاً نیز از استبداد و خودرأیی مردان ناشی شده است.

مداخله دیگران

دختر و پسری که سالها نزد خانواده و بستگان خود تحت کنترل و کفالت آنها به سر برده‌اند، اکنون که می‌خواهند در نقش جدید زن و شوهر زندگی جدیدی را آغاز کنند، در ابتدا همراه با وابستگی به خانواده و تأثیر و نفوذ خانواده می‌باشند. اگر این وضع تا مدت طولانی ادامه یابد، ضررهای ناشی از آن، دوام ازدواج را تهدید می‌کند. اینگونه وابستگی‌ها باعث عدم استقلال زن و مرد در زندگی مشترک و تضعیف موقعیت آنها در زندگی شده، منجر به بروز نابسامانیهایی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های زندگی گشته، همچنین منجر به بروز پدیده زشت حسادت و بدبینی نسبت به یکدیگر گردیده، عدم امنیت فکری و آرامش روحی را به دنبال داشته و سرانجام کانون گرم خانواده از هم پاشیده و منجر به طلاق می‌گردد. طبق بررسی‌ها ۶/۱۲ درصد طلاقهای منطقه تحت تأثیر مداخله دیگران از جمله پدر و مادر و فامیل وابسته صورت گرفته است.

عوامل دیگر

علاوه بر بیکازی، نداشتن تفاهم اخلاقی، عدم تمکین زن از شوهر، مشکلات مالی و اقتصادی، اختلاف سنی، اعتیاد، تفاوت در سطح سواد و مداخله دیگران، عوامل دیگری نیز در امر طلاق دخیل بوده است. حدود ۱۱/۰۷ درصد طلاق‌های این منطقه تحت تأثیر عوامل دیگر اتفاق افتاده است. عواملی چون ندادن نفقه، اختلافات خانوادگی، کتک‌کاری، تنفر زن از شوهر و برعکس، عقیم بودن، بیماری، چندهمسری، فساد اخلاقی، افترا و تهمت و... از دیگر عوامل طلاق در منطقه ذکر شده است.

برای روشن شدن دلایل اصلی طلاق به صورت ریز و جامع لازم است تحقیقاتی جامع توسط کارشناسان زبده و از جمله آسیب‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و روانشناسان صورت گیرد. متأسفانه آمارهای ارائه شده توسط سازمانها و مراکز مربوط به طلاق و سایر ناهنجاری‌های اجتماعی، در سالهای اخیر بسیار نگران‌کننده است. اگر چاره‌ای اساسی اندیشیده نشود و جلو بسیاری از بحرانا گرفته نشود، ممکن

است در آینده‌ای نه چندان دور مجموعه عوامل بصورت سیستم، امنیت ملی کشور را مورد تهدید قرار دهد.

جدول مربوط به توزیع درصد دلایل طلاق طبق اظهار نظر زن و شوهران جدا شده در منطقه، سال ۱۳۷۸

علل طلاق	سهم عوامل منجر به طلاق به درصد
نداشتن تفاهم اخلاقی	۲۲/۷۶
بیکاری	۱۷/۴۶
مشکلات مالی و اقتصادی	۱۶/۱۲۰
عدم تمکین	۱۰/۷۹
اعتیاد	۸/۴۲
مداخله دیگران	۶/۱۲
اختلاف سنی	۳/۱۵
تفاوت در سطح تحصیلات	۳/۱۱
عوامل دیگر	۱۱/۰۷
جمع عوامل	۱۰۰ درصد

نتیجه

یکی از آفات زندگی اجتماعی و نظام خانواده مشکل طلاق است. طلاق بریدن پیوند مقدسی است که با هزاران امید و آرزو شکل گرفته است. طلاق ریشه‌ها و دلایل زیادی دارد. گاه به خاطر مسائل اقتصادی، زمانی به دلیل عوامل اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی است. در ایران بنا به دلایل خاص اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی، روانشناختی و... همه روزه بر آمار طلاق و سایر ناهنجاریهای اجتماعی افزوده می‌شود. چنانکه آمارهای ارائه شده بسیار نگران‌کننده است.

تحقیقات ما در چندین شهرستان استان خراسان به عنوان پیکره‌ای جغرافیایی از

کشور ایران در خصوص طلاق بیانگر آنست که: نداشتن تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، بیکاری، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، مداخله دیگران، اختلاف سطح سواد و اختلاف سنی از مهمترین عوامل طلاق می‌باشد. در این میان نداشتن تفاهم اخلاقی با ۲۳/۷۶ درصد، بیکاری با ۱۷/۴۶ درصد و مشکلات مالی با ۱۶/۱۲ درصد در رأس عوامل قرار دارند.

منابع:

- ۱- گواهی، زهرا، بررسی حقوق زنان در مسأله طلاق، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۲- ایوب و الچاک و شیلابرنز، طلاق از دید فرزندان، ترجمه فرزانه طاهری، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۳- رحیمی، حسین، تراژدی فقر و مرگ در سکوت در کوهپایه‌های کاشمر و بردسکن، هفته نامه پیام شرق، ۱۳۷۶ شماره‌های ۵ و ۶.
- ۴- رحیمی، حسین، توسعه پایدار شهری با تأکید بر توانهای محیطی (مورد کاشمر) رساله دکترای تخصصی جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۷۸.
- ۵- رحیمی، حسین، بحران بیکاری و امنیت ملی در دهه ۸۰، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۰-۱۵۹، ۱۳۷۹.
- ۶- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا.
- ۷- تایبر و نورانداخت تمدن، بچه‌های طلاق، انتشارات خاتون، ۱۳۷۱.